

بررسی روند توسعه بخش تحقیقات مرتع

مهدی فرح پور، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع

چکیده:

بررسی تاریخچه تحولات مرتع وضعیت ما را برای برنامه ریزی روشن می نماید و اجازه می دهد تا با نگرشی به عملکرد گذشته راهکارهای مناسب را برای آینده بیابیم. در تحلیلی که بر سیر تحولات تحقیقات مرتع در ایران بعمل آمد توسعه این بخش تحقیقاتی در خلال زمان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای این بررسی از سه برهه زمانی استفاده گردید: قبل از انقلاب، قبل از تصویب قانون تفکیک وظایف وزارتخانه های کشاورزی و جهاد سازندگی و بعد از الحاق مؤسسه به وزارت جهاد سازندگی.

نتایج بدست آمده نشان می دهد که نگرش آقای پایو و همکاران او به مسأله منابع طبیعی که به طور عمده از بعد بیوفیزیکی بود سالیان درازی هم بخش اجرا و هم بخش تحقیقات را تحت تأثیر قرار داده است. در حقیقت طرحهای مشترک وزارت کشاورزی و سازمان ملل تا زمان انقلاب به صورت مستقیم و بعد به صورت غیر مستقیم برنامه ریزیهای تحقیقاتی مرتع را پی ریزی کرده اند. از سال ۱۳۷۱ نگرش بخش مرتع تا حدودی تغییر می کند و با تصویب اولین طرح بلندمدت مدیریتی گرایش خود را برای برطرف کردن یکی از بزرگترین ضعفهای خود یعنی عدم توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی نشان می دهد. پس از آن طرحهای دیگری تصویب می شوند که فرآیند اطلاع رسانی را برای مدیریت بهینه تکمیل می نمایند. نکته قابل توجه در تجزیه و تحلیل

اطلاعات موجود آنجاست که بخش تحقیقات مرتع هنوز نتوانسته در حیطه مسائل اجتماعی حرکت‌های اساسی و مهمی را انجام دهد.

سهم مؤسسه در توسعه عرصه‌های تحقیقاتی چه در زمینه نیروی انسانی و چه در زمینه امکانات با مراکز استانی قابل قیاس نیست. با تکمیل و تجهیز مراکز استانها حجم قابل ملاحظه‌ای از نیروهای تحصیلکرده به مجموعه تحقیقات مرتع در کشور افزوده شده است، لیکن نیروهای متخصص بخش مرتع تقریباً ثابت مانده‌اند. این مسأله باعث شده که حیطه اقدامات بخش از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به رفع انبوه کارهای ارجاع شده تقلیل یابد.

براساس اطلاعات تجزیه و تحلیل شده استراتژی بخش تحقیقات مرتع باید بر سه اصل استوار باشد: الف) اتمام سریع طرح‌هایی که شناخت ما را از محیط ممکن می‌سازند. ب) ادامه طرح‌هایی که اطلاع‌رسانی را برای مرتعداران، مدیران و تصمیم‌گیران مملکت آسان می‌نمایند و ج) طراحی و به جریان انداختن طرح‌هایی که الگوهای مناسب را برای استفاده پایدار از مرتع بوجود می‌آورند. در این راه باید از فناوری بهنگام بهره گرفته شود تا ظرفیت لازم از نظر نیروی انسانی و امکانات برای بخش بوجود آید.

این تحلیل نشان داد که توسعه ستاد که وظیفه رهبری فنی و برنامه‌ریزی را برعهده داشته با توسعه مراکز به‌ویژه در بعد نیروی انسانی هماهنگی نداشته است. رسوخ افکار پابو و همکاران او در بخش تحقیقات مرتع، سبب گردیده تا بخش در زمینه یکی از بزرگترین وظایف خود یعنی توجه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی غافل بماند. بررسی طرح‌های راهبردی بخش نشان می‌دهد که خطوط فکری اولیه‌ای که بخش براساس آن کار خود را آغاز نموده همچنان بر فعالیتهای آن سایه افکنده است و لازم است با برنامه‌ریزی و تعیین راهبرد جدید نسبت به هدایت تحقیقات اقدام شود تا

بخش بتواند با بررسی عملکرد خود در دوره‌های مختلف، وضعیت و فاصله خود را تا اهداف از قبل پیش‌بینی شده تعیین و برای جبران کاستیها اقدام نماید.

واژه‌های کلیدی:

مرتع، تحقیق، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع و بخش تحقیقات مرتع.

مقدمه:

جایگاه تحقیقات در مدیریت منابع طبیعی کشور شاید از همان آغاز مورد تردید بوده است. برخی آن را مستقل می‌خواهند و استدلال می‌نمایند که تحقیقات به‌عنوان جایگاه تولید اطلاعات اگر چه باید نیازهای تحقیقاتی خود را از دستگاههای اجرایی دریافت کند اما باید آن چنان مستقل باشد که بتواند نیازهای مالی، نیروی انسانی و امکانات را به حد کافی برای خود جذب نماید. به علاوه آنها اعتقاد دارند که تحقیقات نباید به عاملی برای توجیه خواستهای مدیران ارشد تبدیل شود. آن دسته که تحقیقات را به صورت زیرمجموعه دستگاههای اجرایی می‌خواهند استدلال می‌نمایند که نزدیکی دو دستگاه ممکن نیست مگر آن که از نظر مدیریت کلی در یک مجموعه باشند. در مورد نحوه تولید اطلاعات نیز بحثهای فراوانی وجود دارد از جمله آن که آیا تحقیقات باید به صورت استانی و در چارچوب تقسیمات سیاسی کشور عمل کند و یا باید با در نظر گرفتن شرایط طبیعی، در حوزه‌های آبخیز (کلان آبخیزها مانند حوزه کارون یا زاینده رود) یا در مناطق اقلیمی (هیرکانی، ایران و تورانی و خلیج و عمانی) تحقیق نموده و بعد نتایج را به سایر نقاط تعمیم داد؟

بحث در مورد حدود تحقیق و مطالعه نیز بسیار پیچیده و گسترده است و انسان را در ارائه تعریفی برای این دو دچار تردید می‌نماید. این تردید باعث اختلاط موضوعها و حیطه عمل بخشهای تحقیقاتی و اجرایی می‌شود، زیرا بخشهای اجرایی با

این استدلال که برای اجرای برنامه‌های خود نیاز به اطلاعات دارند به تنهایی و یا با همکاری شرکت‌های مختلف در راه جمع‌آوری اطلاعات گام برمی‌دارند و از طرف دیگر بخش‌های تحقیقاتی نیز در بسیاری از موارد جمع‌آوری اطلاعات را به‌عنوان زیرساخت تحقیقات بیشتر مد نظر قرار داده و اقدام به مطالعه می‌کنند. همه این موضوعها ریشه در نحوه شکل‌گیری تحقیقات در کشور دارد. سؤال اینجاست که آیا می‌توان برای انجام تحقیقات در مرتع حد و حدود قائل شد، در چه چارچوبی باید این فعالیت انجام شود و چه مراحل را برای رسیدن به اهداف باید پشت سرگذارد. در تحلیل حاضر سعی شده تا در حد امکان به این موضوعها پرداخته شود.

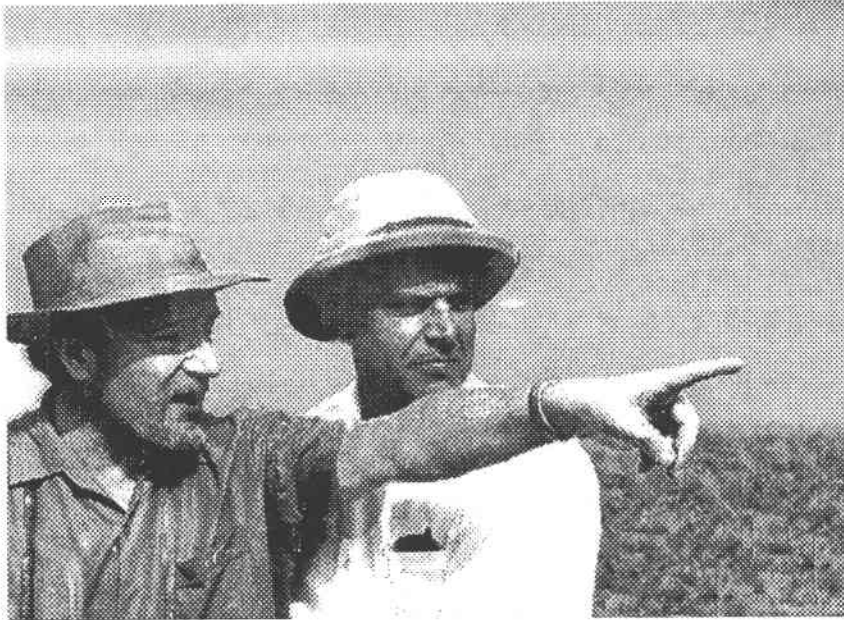
در مورد تاریخچه علم مرتعداری در ایران در بررسی جامع آقایان دکتر ازکیا و مهرابی (۱۳۷۴) دربارهٔ تشکیلات دولتی مرتعداری و تحولات آن آمده است که در سال ۱۲۹۶ اداره‌هایی در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامهٔ اداره کل فلاحت و تجارت ایجاد شده است. اما توجه این اداره کل به جنبه‌های فلاحت، تجارت و امتیازات و جنگلها بوده است. یک سال بعد نیز اولین هیأت نقشه‌برداری به شمال کشور فرستاده شد تا کار تفکیک زمینهای دولتی را از خصوصی آغاز کند، اما هنوز خبری از توجه به مراتع در مدیریت دولتی مشاهده نمی‌شود. اسناد و شواهد نشان می‌دهند که تا سال ۱۳۱۷ نیز مرتع به‌عنوان عرصه‌ای که به سازماندهی و تشکیلات نیاز دارد مورد عنایت نبوده است.

نخستین توجهات به مرتع در تشکیلات دولتی به سالهای ۲۸-۱۳۲۷ بر می‌گردد. در آن سالها تشکیلات وزارت کشاورزی توسعه یافته و اداره‌های بررسیهای جنگل و بررسی مراتع بر اداره‌های قبلی این وزارتخانه افزوده شد. از وظایف این اداره‌ها بررسی گیاهان مرتعی، مرتعداری و اصلاح مراتع بود. مرحوم دکتر ساعی وظایف اداره بررسیهای مراتع را چنان ذکر کرده است که امروزه نیز گرچه گاهی اوقات با شکلی جدید، اما با همان محتوی مطرح هستند. او بررسی انواع گیاهان مراتع و تعیین ارزش

غذایی آنها و نوع دامی که از هر نوع علوفه بهتر استفاده می‌کند، بررسی مرتع از نظر ظرفیت و نوع دام، فصل چرا، گیاهان سمی، ازدیاد طبیعی، دسترسی به آب و سایر اوضاع و احوال، تطبیق طرح مرتعداری و جنگلداری، مطالعه دامهای هر منطقه و احتیاجهای آنها از نظر آذوقه، بررسی عاداتهای محلی و هر نوع مسأله اجتماعی و اقتصادی که در مرتعداری مؤثر است و بررسی راههای اصلاح مرتع را از وظایف آن دفتر می‌داند.

در سال ۱۳۳۳ شورای عالی مراتع تشکیل شد که اعضای آن رؤسای سازمان جنگلبانی، دامپروری و زراعت، چند نفر کارشناس خارجی و چند نفر کارشناس داخلی بودند. این شورا پس از چندی جای خود را به اداره مراتع داد که بعدها به نام اداره کل مراتع نامیده شد. در همین سالها اولین فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی به کمک کارشناسان خارجی شکل گرفت. اداره مراتع در زمینه احداث قرق، جمع‌آوری بذرها و گیاهان علوفه‌ای از مراتع طبیعی، تشکیل چندین کنفرانس بین‌المللی در زمینه مراتع در ایران، کشت و بذرافشانی در تعدادی از مراتع به عنوان آزمایش و پایش، تشکیل کلاسهای کوتاه مدت برای فرزندان عشایر و مأموران ترویج، تربیت گروه فنی از مهندسان و کمک مهندسان جنگل و اقدامهایی برای وارد کردن بذرهای خارجی اهتمام ورزید.

طی سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ ایستگاه همد آسرد، ایستگاه کرج و چندین ایستگاه کوچک در شهابید محلات، طرق مشهد، باجگاه شیراز، دلد، ده بید و غیره تأسیس شد.



شکل شماره (۱): آقای هانری پابو، کارشناس معروف FAO

در سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ مسائل مراتع ایران علاوه بر اصل ۴ ترومن و کارشناسان آمریکایی آن، به وسیله سازمانهای بین‌المللی به ویژه FAO پیگیری شده و یک گروه کاری بدین‌منظور تشکیل شد که هدف آن پیگیری توسعه مراتع و منابع علوفه‌ای در ایران بود. در سال ۱۳۳۷ دولت ایران از FAO درخواست کرد که کارشناسانی را برای کمک به اصلاح و احیاء مراتع به ایران بفرستد. بدین‌منظور FAO آقای هانری پابو (شکل شماره ۱) کارشناس فرانسوی را طی قراردادی در قالب صندوق سپرده که میان FAO و سازمان عمران خوزستان امضا شده بود استخدام و به ایران اعزام نمود. او که برای مدت یک سال به ایران آمده بود مدت ۷ سال در ایران

ماند و گزارشی را تهیه کرد که اساس و پایه برنامه‌ها و سیاستهای تشکیلات دولتی مرتعداری در ایران قرار گرفت.

به گفته آقایان مهندس پرویز باباخانلو و دکتر پیمانی‌فرد سیر تحول تحقیقات مرتع با مطالعات پابو در دشت خوزستان و شمال زاگرس تا حدود لرستان و کردستان شروع شد. او که یک اکولوژیست بود به پوشش گیاهی و گسترش آن توجه ویژه‌ای داشت. او پس از ۴ سال خدمت در وزارت کشاورزی به سازمان مرتع و تولید علوفه دعوت شد. در آن زمان دو سازمان برای مدیریت منابع طبیعی وجود داشته است: سازمان جنگل و دام و سازمان اصلاح مراتع و تهیه علوفه. در سازمان دوم یعنی سازمان اصلاح مراتع و تهیه علوفه طرح مشترکی با سازمان ملل، با یک رئیس خارجی و یک رئیس ایرانی، در حال انجام بود. این طرح از علم کارشناسان بین‌المللی و ملی استفاده می‌کرد. به کارگیری پابو نیز با استفاده از همین طرح بود. همکاری پابو با این طرح در خلال سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ بود.

در سال ۱۹۶۷ پابو ایران را ترک کرد و گودوین جای او را گرفت که او نیز به مدت ۴ تا ۵ سال در ایران ماند. پابو که در عین حال نویسنده ماهری نیز بود گزارشها و نوشته‌های متعددی از خود بر جای گذاشت که برخی از آنها به همت آقایان گودرز شیدایی و ناصر نعمتی ترجمه شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

مهندس پرویز مهدی‌زاده فارغ‌التحصیل آموزشگاه عالی جنگل و مرتع بود که در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل در رشته نقشه‌برداری به آمریکا رفت. بورس او از محل همکاریهای فنی و اقتصادی آمریکا بود. او برای گرفتن درجه دکتری بورس خود را تمدید کرد و توانست در رشته آمار مدرک دکتری گرفته و به ایران برگردد. در سال ۱۳۴۶ و همزمان با تشکیل وزارت منابع طبیعی مهدی‌زاده به ایران آمد. او با دعوت از آقایان باباخانلو، پیمانی‌فرد، کوثر و ملک موضوع تشکیل مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی را در میان گذارد و آنان را به همکاری طلبید. مهدی‌زاده در آن زمان اولین Ph.D

فارغ‌التحصیل از آمریکا بود. او در آن جلسه در مورد اقدامات خود به میهمانان جلسه امیدهای زیادی داده و از آنها قول همکاری گرفت. او برای رسیدن به هدف خود اساسنامه‌هایی را برای مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی نوشت که بعدها با اندکی بازنگری به تصویب مجلس رسید. طبق آن اساسنامه حکم رئیس از جانب شخص شاه صادر می‌شد که اهمیت این پست را چندین برابر می‌کرد. این اساسنامه بعدها به‌عنوان شالوده‌ای برای اساسنامه سازمان تحقیقات کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت.

مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی کار خود را در سال ۱۳۴۷ در ساختمان کوچکی در طبقه سوم وزارت منابع طبیعی واقع در طبقه بالای قنادی سهیل شروع کرد. این مؤسسه چهار بخش مرتع، جنگل، خاک، بیابان و تثبیت شن را شامل می‌شد. بخش دیگری به نام شیلات و آبزیان نیز در این مؤسسه شکل گرفت که هرگز مورد توجه جدی نبود. این بخش برای مدتی به وسیله آقای مهندس فرید پاک که از فارغ‌التحصیلان شیلات از مسکو بود اداره شد. به‌رحال کارشناسان موجود در قسمتهای مختلف تقسیم شدند و این مؤسسه شروع به ظرفیت‌سازی کرد. در این بین در وزارت منابع طبیعی سازمان مرتع و تولید علوفه و جنگل یکی شده و سازمان جنگلها و مراتع بوجود آمد.

بخش مرتع به ریاست آقای مهندس بونوان کار خود را شروع کرد و چهار قسمت تحقیقاتی به نامهای شناسایی نباتات که ریاست آنرا آقای مهندس باباخانلو بر عهده داشت و هرباریوم نیز به این قسمت منتقل شده بود، بخش معرفی نباتات یا Plant production که مسئولیت آن را آقای دکتر پیمانی فرد بر عهده داشت، بخش اکولوژی مرتع به ریاست آقای دکتر علی‌ملک و بخش آگرونومی مرتع به ریاست آقای صیادی داشت.

قسمت اول و دوم خطوط فکری آقایان پابو و کرنیگ را دنبال می‌کردند. گروه اکولوژی مرتع مطالعه و تحقیق در قرقها را انجام می‌داد و گروه آگرونومی مرتع آزمایشهای خود را در ایستگاههای همندا بسرد و نودهک به انجام می‌رسانید. آقای

مهندس نعمتی نیز از قسمت اجرا به تحقیقات آمده و در این قسمت خدمت می‌کرد. بخش بیابان به وسیله آقای اوتاد العجم اداره می‌شد. دکتر کوثر به صورت قراردادی با این بخش همکاری داشته و بعدها آقای مهندس رهبر نیز به آنها پیوست. ریاست بخش جنگل را ابتدا آقای تمدنی و سپس آقای لطفیان بر عهده داشتند. داود لطیفی، عبدالرحمن حسین‌زاده و منوچهر شیخ‌الاسلام از اولین اعضای این بخش بودند.

اولین باغ گیاه‌شناسی در سال ۱۳۴۷ افتتاح شد که رئیس آن دکتر ثابتی بود و به وسیله هیأت امنایی با افراد با نفوذ مانند معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر دارایی، وزیر کشاورزی و فاطمه پهلوی اداره می‌شد. دبیر این هیأت آقای دکتر ثابتی بود. باغ، کارشناسان داخلی و خارجی داشت و فعالیت خود را تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد. در بهمن ماه ۱۳۵۷ و با تصویب شورای انقلاب مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع (مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی سابق) و مؤسسه گیاه‌شناسی ایران در هم ادغام شدند. آقای دکتر ملک‌پور مدت کوتاهی رئیس مؤسسه شد و بعدها ریاست آن را به ترتیب آقایان علاقه‌بند راد (سالهای ۶۱-۵۷)، شیرمحمدی (سالهای ۶۳-۶۱)، تقی شامخی (سالهای ۶۷-۶۳)، دکتر معصومی (سالهای ۷۰-۶۷)، مصطفی جعفری (سالهای ۷۶-۷۰) و عادل جلیلی بر عهده گرفتند. گفتنی است که محل مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی در سال ۱۳۴۸ به ساختمانی در خیابان ولی‌عصر و در سال ۱۳۶۰ به محل باغ گیاه‌شناسی منتقل شد.

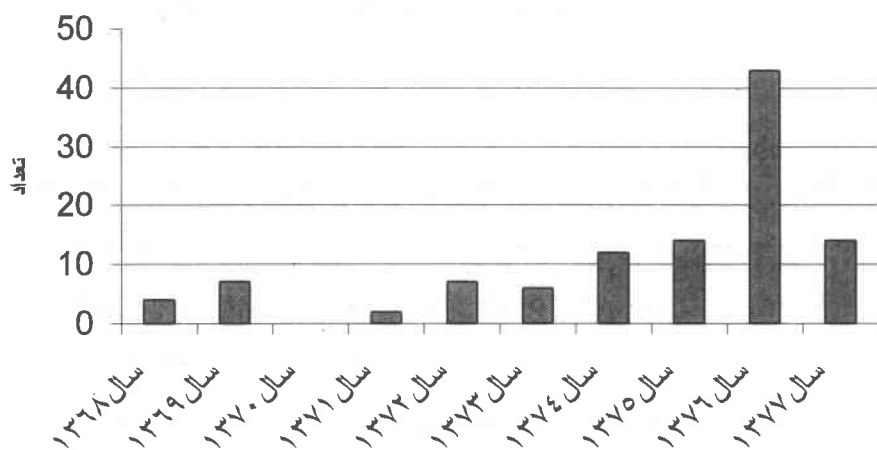
در سال ۱۳۶۵ دکتر شامخی با همکاری ۲۳ نفر از محققان بنام کشور دست به تهیه طرح توسعه تحقیقات منابع طبیعی زد که نتیجه آن تهیه جزوه‌ای با همین نام بود. آنها در آن جزوه کشور را به ۱۲ منطقه برای تحقیقات منابع طبیعی تقسیم کرده و برای هر یک از این مناطق یک بخش منابع طبیعی در نظر گرفتند و در آن، هشت زمینه

تحقیقاتی شامل جنگل، مرتع، گیاه شناسی، صنوبر، چوب، بیابان‌زدایی، محصولات فرعی و حفاظت خاک و آبخیزداری را پیش‌بینی کردند. ریاست بخش مرتع را به ترتیب بون‌وان، ملک‌پور، باباخانلو، پیمانی‌فرد، حیدری و فرح‌پور بر عهده داشته‌اند.

در سال ۱۳۷۰ و با تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع به‌عنوان یکی از مؤسسات مادر در حوزه فعالیت معاونت آموزش و تحقیقات وزارت جهاد قرار گرفت. این تحول سبب شد که فعالیتهای مؤسسه به طرز چشمگیری افزایش پیدا کند. در کلیه استانها مراکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام تشکیل شده و با هدایت فنی مؤسسات مادر کار خود را آغاز کردند. با ورود جهاد جذب نیروهای فعال و جوان آغاز شد و برخی از همکاران جهاد نیز که تجربه‌هایی در بخشهای اجرایی کشاورزی داشتند به جمع همکاران تحقیقاتی خود پیوستند. همت آقای مهندس امانپور و تلاش شبانه‌روزی وی برای پیشبرد تحقیقات موجب شد تا تعداد زیادی طرح تحقیقاتی به‌وسیله مؤسسات مادر تصویب و به استانها ارسال شود. این موضوع معادله‌های قبلی مؤسسه را که در زمان آقای دکتر شامخی شکل گرفته بود برهم زد. صرفنظر از این مسأله پوشش جهاد برای مؤسسه از نظر نیروی انسانی، اعتبارات و گسترش عرصه‌های فعالیت قابل توجه بود.

سیر تحول طرحهای تحقیقاتی:

تا سال ۱۳۴۷ بیشتر طرحهای تحقیقاتی مرتع به کارشناسان خارجی مربوط بود که به Study plans معروف بوده و بودجه آن از محل طرح مشترک تأمین می‌شد که ۵۰٪ از آن به عهده ایران و ۵۰٪ به عهده طرف خارجی بود. برخی از این طرحها به دست همکاران ایرانی ادامه یافت که از آن جمله می‌توان طرح Plant introduction را



شکل شماره (۲): تعداد طرحهای تحقیقاتی در هر سال

بیان کرد.

در سال ۱۳۶۰ به دستور آقای دکتر یزدی صمدی نوشتن طرح تحقیقاتی در شناسنامه‌های امروزی شروع شد. در آن زمان هر مؤسسه شورایی مرکب از رئیس مؤسسه و رؤسای بخشهای تحقیقاتی داشت که کار تصویب طرحها را بر عهده داشتند. از اولین طرحهای تحقیقاتی مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی در زمینه مرتع می‌توان به طرح مقایسه ارقام یونجه در شرایط دیم در مناطق نیمه‌استپی سرد کشور و طرحی مشابه برای اسپرس اشاره کرد.

طرح سازگاری گیاهان مرتعی در برخی از مناطق اکولوژیکی شامل فارس، خوزستان و گرگان و طرح حفظ ژرم پلاسم و سلکسیون گیاهان مرتعی در همدان، گرگان و خوزستان، یزد و اصفهان از دیگر طرحهای اولیه در زمینه مرتع می‌باشد.

از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۹ بیست و یک قرق تحقیقاتی که ۱۵ عدد آن در استانهای تهران، مرکزی و قزوین بود احداث شد. بر اساس اطلاعات موجود در

مؤسسه از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ تعداد ۱۰۴ طرح تحقیقاتی در زمینه مرتع تعریف شده و به اجرا در آمده است.

اگر طرحهای تحقیقاتی را براساس طول زمان اجرای آنها به طرحهای استراتژیکی با افق ده سال یا بیشتر، طرحهای تاکتیکی با افق حداکثر پنج تا ده سال و طرحهای عملیاتی با افق حداکثر ۵ سال طبقه بندی نماییم، طرحهای زیر جزو طرحهای استراتژیکی مرتع تا سال ۱۳۷۰ بوده‌اند که برخی از آنها با تمدید مدت، عملیات خود را به سالهای بعد از آن نیز گسترش داده‌اند:

- طرح تعیین تأثیر کشت توأم گندم و یونجه‌های یکساله در بهره‌وری بیشتر در اراضی دیم هشتروند

- طرح شناخت مناطق اکولوژیکی کشور

- طرح بررسی اثر قرق در روند توالی پوشش گیاهی در مناطق اکولوژیکی خوزستان

- طرح حفظ و نگهداری ژرم پلاسم گیاهان مرتعی

- طرح بررسی فاصله کاشت، نیاز کودی و میزان بذر اسپرس در شرایط دیم

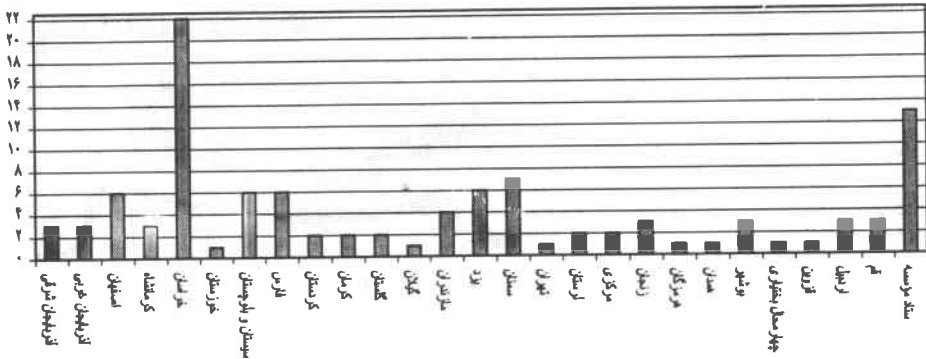
- طرح اصلاح سه گونه اتریپلکس و بروموس تومنتلوس از طریق پلی کراس.

در خلال سالهای ۶۰ تا ۷۰ مؤسسه ۱۶ طرح تاکتیکی داشته است و ۶۹ طرح نیز در سطح عملیاتی بوده‌اند. آنچنان که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌شود در سالهای ۶۳ تا ۶۵ و ۱۳۷۰ همزمان با مدیریت آقای دکتر شامخی طرحهای تحقیقاتی افزایش یافته و در سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال پس از ریاست وی تعداد طرحها به شدت کاهش یافته است. در اواخر ریاست آقای دکتر معصومی افت به وجود آمده (از نظر کمیت) بار دیگر جبران شده و در سال ۷۰ تحقیقات مرتع با تعداد بیشتری طرح تحقیقاتی به حیات خود ادامه می‌دهد.

وضعیت طرحهای تحقیقاتی از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۹:

با افزایش نیروی انسانی و تأسیس ۲۸ مرکز تحقیقاتی منابع طبیعی در استانها مرحله جدیدی از ارائه و تصویب طرح در همه بخشها و از جمله بخش مرتع بوجود آمد. گرچه با افزایش تعداد بخشهای تحقیقاتی در مؤسسه تحقیقات قسمتی از طرحهایی که می‌توانست در بخش مرتع جاری باشد به سایر بخشها منتقل شد که از آن جمله می‌توان تحقیقات در زمینه محصولات فرعی مرتع، بذر گیاهان مرتعی و غیره را نام برد.

وضعیت طرحهای تحقیقاتی طی سالهای ۷۰ تا ۷۹ در شکل شماره ۲ نشان داده شده است. در سالهای ۷۵ و ۷۶ تعداد طرحهای تحقیقاتی مرتع به ۱۷۴ فقره رسید که ۱۵۷ فقره آن به اجرا در آمد. در سال ۱۳۷۷ با توجه به کاهش شدید بودجه دولت تعداد طرحها به ۱۳۳ فقره کاهش یافت. پس از رفع مشکل مالی بار دیگر طرحها افزایش یافته و به ۲۱۱ فقره در سال ۱۳۷۹ رسید. در این نوشته به طرحهای تحقیقاتی مراکز بیست و هشت‌گانه به تفصیل اشاره نشده است، اما کمیت این طرحها در شکل شماره ۳ نمایش داده شده که به طور طبیعی بازتابی از توان نیروی انسانی، امکانات و علاقمندی نیروی انسانی مراکز مربوطه است. استانهای خراسان و اصفهان از جمله استانهایی بودند که تعداد طرحهای تحقیقاتی آنان از ستاد مؤسسه فراتر می‌رفت.



شکل شماره (۳): وضعیت طرحهای تحقیقاتی در سالهای ۷۵ و ۷۶

برخی از طرحهای استراتژیکی دهه قبل در دهه ۷۰ نیز ادامه داشت. از آن جمله می‌توان به طرح اصلاح گونه‌های مرتعی از طریق سلکسیون و روش پلی‌کراس، طرح سازگاری گونه‌های مرتعی و طرح بررسی تأثیر فاصله کاشت و هرس در دیرزیستی و تولید کمی و کیفی آترپلکس اشاره کرد.

طرح ارزیابی مراتع مناطق مختلف آب وهوایی ایران و طرح آتاکولوژی از طرحهای جدیدی بودند که سطح استراتژیکی داشته و در سراسر کشور به مدت طولانی به اجرا در می‌آمدند.

طرح بررسی تأثیر فرق در وضعیت و گرایش مراتع طبیعی مناطق اکولوژیکی به جای طرحی با همین نام که در دهه ۶۰ فقط در خوزستان به اجرا در آمده بود در دهه ۷۰ در ستاد مؤسسه تعریف شده و به اجرا در آمد. طرح مدیریت مراتع با شیوه‌های علمی نیز از جمله طرحهای استراتژیکی بخش تحقیقات مرتع در این دهه می‌باشد. شایان ذکر است که طرحهایی با عنوان طرحهای مدیریت دام و مرتع نیز که در ارتباط با مرتع بوده‌اند در دو محل تصویب شده و به اجرا گذاشته می‌شدند، یکی در ستادی در دفتر معاونت پژوهشی معاونت آموزش و تحقیقات و دیگری در مؤسسه

تحقیقات علوم دامی. طرح مدیریت رام و مرتع با هدف ایجاد ۱۴ ایستگاه تحقیقاتی در شرایط مختلف آب و هوایی کار خود را آغاز کرد، اما در پایان موفق به احداث ۴ ایستگاه شد (تا سال ۱۳۷۹). این ایستگاهها در آذربایجان، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان قرار داشتند.

طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا در هر ایستگاه به شرح زیر است:

آذربایجان غربی ۳ طرح با افق ۵ سال یا بیشتر

سمنان ۵ طرح با افق ۳ سال یا بیشتر

کهگیلویه و بویراحمد ۱۲ طرح

سیستان و بلوچستان ۴ طرح

در سال ۱۳۷۹ بازدیدهایی برای احداث ایستگاه در استانهای اصفهان، مرکزی و آذربایجان شرقی صورت گرفته و محل ایستگاهها مشخص شد.

تحلیل وضعیت تحقیقات در دهه ۷۰:

اگر تا قبل از سال ۱۳۷۰ عذر مجموعه تحقیقاتی کشور در زمینه مرتع با توجه‌هایی مانند کمبود نیروی انسانی و امکانات مالی برای رسیدن به اهداف موجه به نظر می‌رسید، در این دهه که به نسبت امکانات و نیروی انسانی بیشتری در اختیار این مجموعه بود باید فاصله تا هدف که رسیدن به راهکاری اساسی برای اصلاح و احیاء مرتع و جلوگیری از تخریب می‌باشد بسیار کمتر از وضعیت کنونی می‌شد. برای بررسی عوامل دستیابی به سرعت لازم برای رسیدن به اهداف می‌توان عوامل زیادی را برشمرد که در اینجا تنها به وضعیت نیروی انسانی اشاره می‌شود.

نیروی انسانی:

نیروی انسانی را باید از نظر کمیت و کیفیت مورد ارزیابی قرار داد.

- کیفیت: قانون تفکیک وظایف امکان جذب نیرو در بخشهای تحقیقاتی مؤسسه تحقیقات را بوجود آورد. این مسأله باعث شد که بخشی از نیروهای موجود در جهاد که از نظر مرتبه سازمانی دچار اشکال بودند به سمت این بخش سوق یابند. از آن جایی که گزینش افراد در سازمان جهاد سازندگی بر اساس اصول عقیدتی بود میزان قابلیت افراد برای درک مسائل تحقیقاتی در پرده ابهام باقی می ماند. از طرف دیگر برخی از نیروهای منتقل شده به تحقیقات مدرک تحصیلی مناسبی برای کار در این مجموعه نداشتند و از نظر نوع تخصص و یا سطح دانش کیفیت لازم را نداشتند. این موضوع سبب شد که جهاد سازندگی بار آموزشی سنگینی را برای تطبیق وضعیت این گروه از نیروی انسانی خود با موقعیت سازمانی آنها به دوش بکشد. اما به هر تقدیر نیروهای زیادی برای این بخش تربیت شدند که بخش عظیمی از آنها کیفیت لازم را برای اداره طرحهای تحقیقاتی داشتند.

- کمیت: از نظر کمیت مراکز تحقیقات رشد زیادی نمودند، ولی ستاد مؤسسه نتوانست بر تعداد نیروهای موجود در بخش تحقیقات مرتع بیفزاید. با افزایش بخشهای تحقیقاتی افراد جذب شده در بخشهای مختلف مشغول می شدند که سهم بخش مرتع در این میان اندک بود. نتیجه این امر افزایش حجم کار نیروهای ستادی این بخش بود که آنان را از برنامه ریزی و تصمیم گیری باز می داشت. پیکره عظیم تحقیقاتی با موتوری ضعیف راه خود را به جلو می برد.

پراکنش نیروی انسانی در استانها نیز خالی از اشکال نبود. در برخی از استانها مانند اصفهان تراکم و در برخی مانند ایلام کمبود مشاهده می شد. متأسفانه این پراکنش با نزدیکی به بسترهای مناسب برای تحقیق یعنی طبیعت نسبت عکس داشت و در

مراکز نزدیک به زاگرس و سایر مناطقی که توان بالقوه لازم برای مرتعداری داشتند درخواست کمتری برای کار مشاهده می‌شد. این امر بر برنامه‌ریزی صحیح تأثیر منفی می‌گذاشت.

پیشنش:

تأکید بخش تحقیقات مرتع کشور بر بررسی و تحقیق در مورد طرحهایی که تنها مسائل بیوفیزیکی را مد نظر داشته‌اند از خلال طرحهای مطرح شده در دهه ۶۰ تا حدود نیمه دهه ۷۰ مشهود است. در این دوره جمع‌آوری اطلاعات به عنوان سرفصلی برای طرحهای استراتژیکی مطرح است و یکی از بزرگترین سؤاها در عرصه تحقیقات یعنی این که این تحقیق برای چه کسی صورت می‌پذیرد، محلی از اعراب ندارد. به عبارت دیگر تحقیقات در زمینه مسائل اجتماعی و مدیریتی یا وجود ندارد یا اگر وجود دارد در قالب طرحهای کوتاه مدت محلی در جریان است. از سال ۱۳۷۵ با ارائه اولین طرح فراگیر مدیریتی، سندگل بررسی امکان جایگزینی مدیریت مرتع به شیوه‌های علمی را با مدیریت سنتی مطرح می‌نماید. این طرح سپس با طرح دیگری با عنوان مدیریت دام و مرتع که به وسیله معاونت آموزش و تحقیقات وقت، آقای مهندس امانپور تبیین و به وسیله آقای دکتر فدایی تهیه شده بود در هم آمیخته شد و با تأسیس ایستگاههای دام و مرتع طرحهای منفردی که در نهایت باید به نتیجه‌ای واحد برسند طراحی و به اجرا گذاشته شد تا الگوهای مناسب مدیریتی بدست آید. توجه بخش به مسأله نظارت و ارزیابی وضعیت مرتع نیز به عنوان یک نگرش جدید از سال ۱۳۷۰ برای تحقیقات مرتع کشور مطرح می‌شود. اکنون اطلاع‌رسانی بموقع (بهنگام) می‌تواند در خدمت الگوهای مدیریتی پیشنهادی قرار گیرد تا در دامنه تغییرات پیش‌بینی شده نقش خود را به عنوان عامل تعدیل ایفا نماید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در

صورتی که طرح ملی مدیریت مراتع به شیوه‌های علمی یا طرح تحقیقاتی مدیریت دام و مرتع با تکیه بر دانش بومی (استفاده از تجربه‌ها) و نیز با تکیه نوین حرکت کند به سوی پاسخ به سؤالها و نیازها گام برداشته است.

در حدود نیمه دهه هفتاد تغییر دیگری نیز در بخش رخ می‌دهد و آن رویکرد به طرحهای ملی است. این رویکرد برخی از نقصهای استانی کردن تحقیقات را از بین می‌برد و قدرت هدایت تحقیقات مرتع در کشور را بار دیگر به دست بخشهای ستادی می‌سپارد. این پدیده نیز بر سنگینی کار ستاد می‌افزاید و بار دیگر لزوم ایجاد ظرفیت را یادآور می‌شود.

برنامه‌های آینده:

آنچه بخش تحقیقات مرتع انجام می‌دهد به منظور رسیدن به مدیریت بهینه برای بهره‌برداری پایدار از مراتع کشور است. با پذیرفتن این اصل که مدیریت بهینه در عرصه‌های مراتع باید با اصول اکولوژیکی تطابق داشته باشد.

شناخت زیربنای برنامه‌ریزی است. بنابراین باید در اولین گام شناخت لازم را از وضعیت مرتع، مرتعداران و دام در کشور بدست آورد. بنابراین طرح شناخت مناطق اکولوژیکی با سرعت و دقت ادامه خواهد یافت. بدین منظور این بخش کشور را به سه منطقه شرقی، مرکزی و غربی تقسیم نموده و قصد دارد که در سه سال آینده طرح شناخت مناطق اکولوژیکی را به اتمام برساند.

همراه طرح شناخت و به منظور اطلاع‌رسانی بموقع، طرح ارزیابی مراتع در مناطق مختلف آب و هوایی در تیپهای کلان مرتعی مستقر شده و به جمع‌آوری اطلاعات خواهد پرداخت. نتایج این دو طرح بسیاری از پرسشهای بخش اجرا را پاسخ خواهد

گفت، زیرا با اجرای آنها مساحت تپهای مرتعی مشخص شده و در نتیجه مساحت مراتع ایران تعیین خواهد شد. از طرفی با گزارشهای پیاپی و سالیانه وضعیت، گرایش و ظرفیت مراتع را نیز اعلام می‌نماید. بخش اجرا و به ویژه سازمان جنگلها و مراتع نیز می‌تواند با استناد به داده‌های منتشر شده یا به عبارت دیگر با به رسمیت شناختن نتیجه



شماره انتشار: ۲۹۴-۱۳۸۱

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی
موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع

تحقیقات مرتع و بیابان ایران (۷)

ویژه‌نامه

مقالات اولین همایش ملی تحقیقات مدیریت دام و مرتع

۲-۳ مردادماه ۱۳۸۰ سمنان

جلد اول

منابع:

- ۱- مهربانی، علی اکبر و مصطفی ازکیا، ۱۳۷۴. تشکیلات دولتی مرتعداری و تحولات آن. نشر دفتر فنی مرتع.
- ۲- مصاحبه حضوری با شیدایی، گودرز، مدیر کل سابق دفتر فنی مرتع. بهار ۱۳۸۰.
- ۳- مصاحبه حضوری با باباخانلو پرویز، معاونت پژوهشی سابق مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع. ۱۳۸۰.
- ۴- مصاحبه حضوری با پیمانی فرد، بهرام، رئیس سابق بخش تحقیقات مرتع. ۱۳۸۰.
- ۵- مصاحبه با حضوری معین اندین، حسن، ۱۳۸۰.
- ۶- مصاحبه حضوری با محمد علیها، مسعود، رئیس ایستگاه تحقیقات مراتع همدان آبرسد. ۱۳۸۰.